

امروز آنچه در کف خیابان ها و درپهنه ایران می گذرد نه خیزشی است که با دادن هزینه های سنگین تاکنونی پس نشسته و به رژیم خونخوار اجازه دهد تا کرکس وار جان های بیشتری را بدرد. این انقلابی است برای سرنگونی جمهوری اسلامی. ولی هدف انقلاب چیست؟ انقلاب قرار است چه نظمی برپا کند؟ یک جبهه ائتلافی گشاد از لیبرال ها و سلطنت طلبان عظمت طلب شوینست خیز برداشته اند تا سرمایه داری و بهره کشی را از گزند انقلاب نجات دهند. در قدرت یابی جریان خمینی تحلیل های گوناگونی ارائه شده اند. ولی، یک تحلیل بر این باور است که در ناکامی شاه دیکتاتور در سرکوب انقلاب بت سرمایه داری ترک برداشت. در کارخانه های سرمایه داران با گفتن مرگ بر سرمایه از دست کارگران نجات می یافتند. کامیونی وارد سربازخانه می شود، افسر سربازان را صدا می زند، بار کامیون را خالی کنید، به افسرمی گویند این دفعه نوبت شماست. به تمثیل مار دیده از ریسمان سیاه می ترسد، آمریکا و شرکاء از وجود یک دوجین گروه های چپ رنگارنگ و با هر کم و کاستی هراسناک شدند، ویلیام سولیوان سفیر آمریکا در ایران از سوی کاخ سفید به پاریس رفت و با خمینی معامله کرد، این چنین بود که وظیفه ترمیم ترک سرمایه داری به دوش جریان خمینی افتاد. آقای ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور دولت جدید جمهوری اسلامی به کارگران نصیحت کرد شورا پورا مالید جانم باید کارکنی. امروز ائتلاف گشاد نئولیبرال ها و سلطنت طلبان عظمت خواه شوینست می خواهند سناریوی خمینی و نصیحت آقای بنی صدر شورا پورا مالید جانم باید کارکنی را دوباره انجام دهند. این گمانه زنی نیست. به دو مستند اشاره کنم. یکم، اخیرا اطلاعاتی از زمخت کوتاهی زنهاره، التیماتوم، داد بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تا ده سال هیچ حرفی نزنید تا مملکت را سروسامان دهیم، نقل به معنی دوم: شورای به اصطلاح مدیریت گذار مکارانه و با چرب زبانی می گوید: به باور ما دموکراسی مهمترین نیاز ایران برای چاره اندیشی ملی در جهت غلبه بر بحران ها و حرکت به سمت توسعه و رفاه است. معنی این چرب زبانی روشن است. تا فرارسیدن زمان حرکت به سمت رفاه، دستمزدهای زیر خط فقر کارگران و بازنشستگان، بیکاری کلان، مشکل دهان گشوده مسکن، نبود بهداشت و درمان، کودکان خیابانی، حلبی نشین ها، گورنشینان، و غیره در یک سو خواهند ماند. در سوی دیگر بنیادهای انحصاری کلان مستضعفان، در حقیقت مستکبران، آستان قدس، سپاه پاسداران، بیت رهبری و غیره در طرف دیگر. این چرب زبانیان دروغ می گویند، از فردای سرنگونی رژیم سفاک جمهوری اسلامی دموکراسی در جامعه جاری خواهد شد. عاجل ترین اقدام دست بردن به انباره ثروت عظیمی و حاضر و کاهش و تخفیف فوری نیازهای ضروری جامعه است. شما آگاهانه اهل این کار نیستید. انجام این امر در بهم آمدن مردم ایران در سامان یابی اداره شورائی جامعه با تشکل یابی مسلحانه در شوراهای محلات و موسسات تولیدی-خدماتی میسر خواهد شد. در خاتمه، ضروری است اضافه کنم یکی از کاستی های مهم فروپاشی شوروی سابق عدم وجود سیاست تولیدی حمایت از کارآفرین ها، Entrepreneur، بود. در مدیریت تولید مرکزی یا گاسپلان شوروی سابق کارگر زرنگ، با ابتکار، با پشتکار، با هوش، با استعداد و مسئول با کارگری قید و بی توجه به کارش تفاوتی نداشت. هر دو حقوق برابر دریافت می کردند. عبدالله اوچالان زندانی و رهبر معنوی جنبش آزادی کردها و پرفسور یانیس وارفاکس اقتصاددان و سیاستمدار هر دو در گذار از سرمایه داری جدا از هم مخالف شرکت های کلان انحصاری، Monopoly Corporation، و حامی کارآفرین ها یا، به رسمیت شناختن صاحبان ابتکار هستند. نفی دولت به مثابه نهادی بر فراز جامعه و محروم کردن مردم از شرکت مستقیم در اداره جامعه، یا زن زندگی آزادی اداره شورائی، و هم چنین به رسمیت شناختن و تشویق کارآفرین ها تفاوت ما با طرفداران چپ سنتی و شعارشان آزادی برابری حکومت کارگری است.

مراد عظیمی